**یاری حضرت زهرا (ی)- بخش اول**

یکی از موضوعات مهم اعتقادی ما و اساس همه مکاتب، مسئله انسان و سرنوشت است. هر مکتب به عنوان یک آیین اندیشه ای جامع، سوالات متعددی را باید پاسخ دهد. از این که ما کیستیم و به کجا باید برسیم؟ دنیا چیست؟ آیا در دنیا ما نقشی در مسائل پیش روی خود داریم؟ بعضی معتقد به شانس هستند، بعضی به جبر و زور معتقدند. اما جواب درست کدام است؟

به حرف کسانی که می گویند تلاش فایده ای ندارد و در عالم جبر برقرار است، نباید گوش داد اما این طور هم نیست که شما هر کاری بخواهید بکنید. پس اختیار به چه معنا است؟ آیا به این معنی است که هر گناهی را بخواهم انجام دهم، می توانم انجام بدهم؟ و یا هر ثوابی بخواهم انجام بدهم، می توانم انجام بدهم؟

در پاسخ می گویند به مقدماتی بستگی دارد که خودمان آماده می کنیم. یعنی مثلا اگر دوست خوب انتخاب کردی نمی توانی هر گناهی بکنی، چون دوست خوب دعایت می کند و این برای تو توفیقات الهی به همراه می آورد.‌ امیرالمومنین (ع) می فرماید: «که هیچ کسی نمی تواند ما را از گناه باز گرداند الا به نیروی خدا و هیچ نیروی برای کار خیر نیست جز این که خدا به انسان عطا می کند.» آن چیزی که انسان برای ساختن آینده خود به آن نیاز دارد، کمک الهی است.

در آیه شریفه ای از قرآن آمده: «ای کسانی که ایمان آوردید، از صبر و نماز کمک بگیرید» در روایات صبر را روزه معنا کرده اند. در بحث نماز هم گفتند اصل نماز سوره حمد و قلب سوره حمد کلمه «نستعین» است؛ یعنی کمک گرفتن از خدا. استعانت از خدا دو گونه است: بخشی در قالب دعا و طلب است و بخشی هم آن عملی است که به واسطه آن مستحق کمک خدا می شویم.

پس سرنوشت بی حساب و کتاب نیست؛ بلکه بر اساس این سنت الهی هم ما اختیار داریم و هم دست خدا بسته نیست. عون الهی به عمل الهی برمی گردد. «إن تنصروا الله ینصرکم» کار دست خداست و به اندازه عمل ما کار می کند.

شب اول فاطمیه 97

مسجد جامع صفا